

رابطه سازگاری زناشویی، سبک های دلبستگی و کمال گرایی با عملکرد خانواده زنان متأهل شهرستان کرمانشاه

حدیث ولی زاده^{۱*}، فائزه اسکندری^۲، سارا قنبری^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، کرمانشاه. valizadeh_h69@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، کرمانشاه. alfamind40000@yahoo.com

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه. saraghanbary98@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تعیین رابطه سازگاری زناشویی، سبک های دلبستگی و کمال گرایی با عملکرد خانواده زنان متأهل شهرستان کرمانشاه است. پژوهش حاضر از پژوهش های توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی زنان متأهل فرهنگی شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۹۷ می باشد که با استفاده از روش نمونه گیری دردسترس تعداد ۱۰۰ نفر از آنان انتخاب شدند. افراد شرکت کننده در این پژوهش ابزارهای اندازه گیری پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپیرمن (۱۹۹۸)، پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان، پرسشنامه کمال گرایی هیل (۲۰۰۶) و پرسشنامه عملکرد خانواده اپشتاین (۱۹۸۳) را تکمیل نموده اند. نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که بین سازگاری زناشویی، سبک دلبستگی ایمن با عملکرد خانواده در میان زنان متأهل رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و اینکه بین سبک دلبستگی اجتنابی، دلبستگی دوسوگرا و کمال گرایی با عملکرد خانواده در میان زنان متأهل رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داده است که متغیر سازگاری زناشویی، سبک دلبستگی ایمن و کمال گرایی به ترتیب پیش بینی کننده عملکرد خانواده در زنان متأهل بود از اینرو ۳۷٪ از واریانس عملکرد خانواده در زنان متأهل توسط متغیرهای یاد شده تبیین می شود. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که متغیرهای سازگاری زناشویی، سبک های دلبستگی و کمال گرایی بر روی عملکرد خانواده تأثیر بسزایی دارد.

کلیدواژه: سازگاری زناشویی، سبک های دلبستگی، کمال گرایی، عملکرد خانواده.

۱. مقدمه

خانواده مهمترین نهاد تربیتی جامعه و نخستین پرورشگاه فرد محسوب می شود. با توجه به اهمیت نظام خانواده به عنوان اولین ساختار جامعه که پایه و اساس تربیت و تعلیم فرزندان و روابط رسمی و قانونی زن و مرد به شکل یک استاندارد مشروع و مقبول در آن بنیان نهاده می شود، اهمیت توجه و حفظ چنین ساختاری با در نظر گرفتن نقش روحی، روانی، عاطفی، اجتماعی و رفتاری آن و الگوبرداری فرزندان در یک محیط عاطفی کاملاً مشهود است [۱].

خانواده از ارکان عمده و نهادهای اصلی هر جامعه و یکی از طبیعی ترین گروه هایی است که می تواند نیازهای مادی، عاطفی، تکاملی و همچنین نیازهای معنوی انسان ها را برطرف نماید. این واحد اجتماعی مبدا بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه ترین

¹ Corresponding Author: Master's degree in General Psychology, Islamic Azad University, Ilam University, Farsi, Lecture, Kedmili 3241322343, Mobile number 09033471032, Kermanshah, Kermanshah University of Medical Sciences, Islamic Azad University, postal code 6718994341, valizadeh_h69@yahoo.com